معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی توضیح داد

چرا کتاب شهید بهشتی و خاطرات مرحوم هاشمی منتشر نشد؟

معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با توضیح درباره روند اصلاح کتاب خاطرات هاشمی‌رفسنجانی و جلساتی که با پسر او برای اصلاح کتاب داشته‌است، گفت: مسائل به نوعی بیان شد که انگار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مانع انتشار کتاب آقای هاشمی‌رفسنجانی شده‌است. مسائل غیرمنصفانه مطرح شد؛ دروغ گفته شد. یاسر احمدوند در گفت‌وگو با خبرنگار ایرنا به تعدادی از پرسشها پاسخ داد:

آیا در ماه‌های اخیر سختگیری اداره کتاب برای اعطای مجوز به ناشران بیش از گذشته شده‌است؟

خیر، کتاب‌ها با حساسیت بیشتری بررسی نمی‌شود، اما نسبت به محتوای کتاب‌ها حساسیت داریم و با دقت کتاب را بررسی می‌کنیم. شاید در گذشته احتمال کم‌کاری وجود داشت. معتقدیم طبق قانون وظیفه داریم بررسی کتاب در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با دقت، عاقلانه و عالمانه انجام شود. ممکن است این دیدگاه، جایی تعبیر به سختگیری و جایی تعبیر به آسان‌گیری شود، در همین مدت هم گروهی از بزرگواران، در خصوصی یا علنی درباره مجوز گرفتن برخی از کتاب‌ها اعتراض کردند.

حتی چند روز قبل، بزرگواری در مجلس طی نامه‌ای به وزیر درباره اعطای مجوز به یک کتاب توضیح خواسته بود. این کتاب را بررسی کردم، با اینکه مدافع آن نیستم، اما کتاب نظریات علمی داشت که باید منتشر می‌شد. طبیعی است، کتاب‌هایی منتشر می‌شود که آن‌ها را نمی‌پسندم، اما قرار نیست هرچه را نمی‌پسندم، منتشر نشود. طبق قانون و ضوابط اگر ناشر و نویسنده معیارها را رعایت کرده‌باشند، می‌توانند کتاب را منتشر کنند. من هم از آزادی انتشار آن کتاب حمایت می‌کنیم، به برخی موارد هم که اختلال دارند، اجازه انتشار نمی‌دهیم.

با یکی از ناشران بزرگوار روز گذشته جلسه داشتم، موارد را که موجب توقف انتشار کتاب شده‌بود، به من نشان داد، مشخص بود که آن موارد اجازه نمی‌گیرد. برخی از اصلاحات قبل از اینکه کتاب به اداره کتاب فرستاده شود، باید اصلاح شوند. اینکه ناشران مطمئن باشند، جایی وجود دارد که کتاب را بررسی می‌کند، اگر منتشر کردند مسئولیت آن با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است و اگر منتشر نکردند کتاب به ناشر باز می‌گردد، درست نیست. این فضا باید عکس شود، یعنی خروجی ناشر خروجی نهایی قبل انتشار باشد. اداره کتاب یکی از مراحل آماده‌سازی کتاب نیست، کتاب باید نهایی شود و در این صورت حجم کار اداره کتاب کاهش پیدا خواهدکرد، همچنین کتاب‌های غیرمجاز به شدت کاهش پیدا خواهدکرد، برخی از موارد روشن است و اگر ناشران بررسی کنند، کتاب را به اداره کتاب نخواهندداد.

این مساله موجب خودسانسوری نمی‌شود؟

در خبرگزاری هم اگر کار نهایی را انجام دهید، به محتوا به نوعی نگاه می‌کنید و اگر فردی بعد از شما روی کار نظارت کند، مساله شکلی دیگر خواهدداشت. نشر باید احساس کند که باید فرم نهایی را به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تحویل بدهد و اداره کتاب را به عنوان یکی از مراحل نشر نبیند. این روند، کار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را خیلی سنگین می‌کند. خواندن این تعداد از کتاب در سال کار سنگینی است و نیروی انسانی با تجربه و متخصص لازم دارد. از طرفی وقتی نیروی انسانی این کار را انجام می‌دهد احتمال خطا وجود دارد. در رسانه امکان اصلاح مطلب وجود دارد، اما در حوزه کتاب اینطور نیست و کتابی که چاپ می‌شود باید خطاهای آن را در سری چاپ بعدی رفع کنند. ممکن است خطا یا آسیب جدی باشد که امکان اصلاح ندارد.

برخی از ناشران اصولا سازوکار و ابزار لازم را برای فعالیت نشر ندارند. می‌بینید ناشر یک نفر است با یک مجوز و یک خط فعالیت می‌کند. بدون بررسی آن را در سیستم بارگذاری می‌کند. برای اینکه از نظر قانونی مانع کسب و کاری نشویم، به صورت بی‌رویه مجوز نشر صادر کردیم و ادامه دارد. هرکسی می‌خواهد نشر تاسیس کند، تقریبا می‌تواند با ساده‌ترین شرایط پرونده نشر بگیرد اما آیا او یک ناشر است؟ نه ناشر نیست.

چه تعداد کتاب در طول ماه اصلاحیه می‌گیرند؟

تولید ناشران تقریبا متناسب با اقتضای جامعه است. ناشر می‌خواهد کتابی را منتشر کند که مقبول جامعه باشد. کمتر از یک درصد از کتاب‌هایی که به اداره کتاب فرستاده می‌شود، غیرمجاز هستند. مطمئنم این تعداد کتاب می‌تواند به یک پنجم برسد. برای گروهی از کتاب‌ها که مشروط می‌شوند، عددی در ذهن ندارم اما می‌توانم بگویم دایره آن‌ها بسیار بزرگ است. ممکن است لازم باشد تا یک کلمه از کتابی تغییر کند، یا چند کلمه، چند صفحه و... حجم مشروطی را نمی‌توان محدود دانست.

دو کتاب در ماه‌های اخیر جریان‌ساز شد یکی کتاب خاطرات آقای هاشمی‌رفسنجانی بود و دیگری کتابی که فرزند شهید بهشتی اعلام کرد کتاب دچار سانسور شده‌است. هر دو اتفاق درباره کتاب‌ها به درستی انعکاس داده نشد.

پیش از این درباره کتاب آقای هاشمی‌رفسنجانی توضیحاتی داده‌بودم، کوتاه عرض می‌کنم. کتاب برای دریافت مجوز در سامانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بارگذاری شد. کتاب به اصلاحاتی نیاز داشت و عمده اصلاحات درباره خاطرات آقای هاشمی‌رفسنجانی نبود. اطلاحات مربوط به مقدمه یا پاورقی‌های بود که همسر آقای هاشمی‌رفسنجانی بیان کرده بودند.

غیر از این‌ها در خاطرات آقای هاشمی‌رفسنجانی دو محور وجود داشت و مشمول توجه کارشناس‌های ما قرار گرفت. برخی از مطالب در ارتباط با موارد نظامی بود و استعلام شد. در نتیجه بررسی اعلام شد برخی از آن‌ها همچنان محرمانه است و نباید منتشر شود. همچنین یک یا دو مورد بود که فردی آمد و موضوعی را توضیح دارد، او گفت ممکن است ذکر نام آن انسان برای او حواشی و تبعاتی داشته‌باشد.

همه موارد با حضور آقای محسن هاشمی‌رفسنجانی بزرگوار بررسی شد. در جلسه حضوری و در توافق با ایشان، موارد را بررسی کردیم. حتی اعلام کرد برخی از موارد نیازی به اصلاح ندارد و سختگیری اضافی است. از محسن هاشمی‌رفسنجانی خواستیم مواردی را که به نظرش درست بود، به ما تحویل دهد. بر اساس متنی که به ما تحویل داد، مجوز کتاب ۱۰ روز قبل از نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران صادر شد. ایشان اعلام کرد که کتاب را در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران ارائه خواهدکرد، اما کتاب در نمایشگاه ارائه نشد و به مردم اعلام شد که کتاب مجوز نگرفته و مشمول سانسور شده‌است.

با آقای محسن هاشمی‌رفسنجانی بعد از این اتفاق‌ها صحبت کردید؟ چرا اینگونه رفتار کرده بودند؟

در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بنای این رفتار را نداریم که کتاب را بر اساس نویسنده و مولف آن بسنجیم. وظیفه من این است، تمام تلاش خود را برای اعطای مجوز به هر کتابی که به اداره کتاب فرستاده می‌شود، بکنم

از ایشان پرسیدم چرا چنین مسائلی را بیان کردید؟ توضیحاتی ارائه کرد که در دیدار با آقای رئیسی این مسائل را مطرح کرده‌است و هر کاری بگوییم انجام خواهدداد. گفتم پس مجبورم با رسانه‌ها مصاحبه کنم و آن چیزی را که اتفاق افتاده‌است، توضیح دهم. ایشان هم گفتند که مصاحبه کنید و مسائل را توضیح بدهید. پیام‌های ایشان هنوز موجود است، اما متاسفانه به شکل دیگری منعکس شد. مسائل به نوعی بیان شد که انگار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مانع انتشار کتاب آقای هاشمی‌رفسنجانی شده‌است. شاید آن‌چیزی که مشمول اصلاح بود ۲ صفحه از ۹۰۰ صفحه کتاب آقای هاشمی‌رفسنجانی بود. این مساله غیرمنصفانه مطرح شد، دروغ گفته شد.

در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بنای این رفتار را نداریم که کتاب را بر اساس نویسنده و مولف آن بسنجیم. وظیفه من این است، تمام تلاش خود را برای اعطای مجوز به هر کتابی که به اداره کتاب فرستاده می‌شود، بکنم. این وظیفه من است که حتی‌المکان کاری کنم تا تمام کتاب‌هایی که به اداره کتاب می‌رسد، منتشر شود. حتی در مواردی که کتاب اشکالی دارد، مذاکرات در تعامل با ناشر و نویسنده به سمتی برود که مسائل و مشکلاتش حل شود.

کتاب دیگر ترجمه‌ای از شهید محمد بهشتی بود، این کتاب چه مساله‌ای داشت؟

تئودور نُلدکه (به آلمانی Theodor Nöldeke) اسلام‌شناس اروپایی درباره تاریخ قرآن کتابی دارد. در دوره‌ای که شهید بهشتی در هامبورگ در آلمان به عنوان مسئول مرکز اسلامی هامبورگ حضور داشتند، برای دانشجویان، استادان و شخصیت‌های ایرانی این کتاب را ترجمه می‌کردند و درباره آن توضیح می‌دادند. کتاب نلدکه دارای مباحثی است که برخی از آن‌ها قابل انتشار نیست. اما این مساله به شکلی مطرح شد که گویی کتاب شهید بهشتی مشمول ممیزی شده‌است. برای حل این مشکل با پسر مرحوم بهشتی تماس گرفتیم و جلسه حضوری تشکیل دادیم تا این کتاب با تعامل منتشر شود. کتاب موارد اصلاحی اندکی داشت. البته کتاب در دوره دولت قبل هم به اداره کتاب فرستاده شده‌بود. در همان دوره هم اصلاحات به صورت غیررسمی به ناشر اعلام شده‌بود و در دوره قبل هم مجوز صادر نشده‌بود. ناشر اصلاحات را اعمال نکرده و کتاب را دوباره برای اداره کتاب بارگذاری کرده بود. یعنی کتاب مشمول دوره جدید و سختگیری‌های جدید نبود.

همواره تلاش می‌کنیم بر اساس موارد قانونی اقدام کنیم و خود را مبری از اشتباه نمی‌دانیم. اگر جایی اشتباه کنیم، دوباره آن مساله را بررسی می‌کنیم. حجم کار بالا است، بنابراین گاهی ناشران و نویسندگان رجوع و درخواست جلسه برای بازبینی مجدد می‌کنند. تلاش به این است، کتابی که قابل انتشار است، پشت در نماند. این مشخص است که برخی از کتاب‌ها قابل انتشار نیست.

آیا ممکن است بخشی در وزارت فرهنگ و راشاد اسلامی درباره مترجمی که نامش روی کتاب ثبت شده و کپی‌برداری نبودن ترجمه بررسی کند؟ تا در نتیجه این روند تعداد آثار کتاب‌سازی شده کاهش پیدا کند؟

از معضلات پیشروی نشر ما کتاب‌سازی است و یکی از دلایل تعداد بالای عناوین کتاب در کشور ما همین مساله است. زیرساخت‌های نرم‌افزاری برای بررسی حقیقی بودن مترجم و ترجمه در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی وجود نداشت و ندارد. با همین هدف با دو شرکت مذاکراتی انجام شده‌است. در تلاش برای آماده‌سازی نرم‌افزار مشابه‌یاب در اداره کتاب هستیم. از زمانی که فایل‌های کتاب‌ها را داریم قابلیت مشابه‌یابی داریم و این کار به زودی انجام خواهدشد. این روند بخشی از مشکلات را حل خواهدکرد و کتاب‌هایی که شبیه کتاب‌های دیگر باشد به این وسیله مشخص خواهندشد.

احتمال دارد بخشی از کتاب‌های کپی‌برداری شده با دستکاری ترجمه بتوانند از این مرحله عبور کنند. باید در این بخش محدودیت‌هایی در مالکیت ترجمه قائل شویم. ما به کنوانسیون برن نپیوستیم و قانون کپی‌رایت را در کشور اعمال نمی‌کنیم، اما این دلیل نمی‌شود در داخل کشور قوانین حمایتی از حقوق صاحبان آثار نداشته‌باشیم. حفاظت از حقوق صاحبان اثر را حتما از وظایف هیات نظارت بر ضوابط نشر کتاب بزرگسال و کودک می‌دانیم. این مساله در دستور کار آن‌ها قرار گرفته‌است تا شرایط حمایتی برای ناشران، نویسندگان و مترجمانی که برای نخستین بار اقدام به ترجمه و انتشار اثر می‌کنند، ایجاد شود. در نتیجه حتما تعداد زیاد ترجمه از یک کتاب، ترجمه‌های بی‌نام و نشان، غیرواقعی و کتاب‌سازی‌ها یعنی آفت‌های نشر محدود خواهدشد.

برخی از تخفیف‌های بالا در فروش کتاب نتیجه همین موارد هستند، زیرا هزینه بالای تولید کتاب کاهش می‌یابد هزینه ترجمه ویرایش، آماده‌سازی فنی حذف می‌شود. این ناشران تحریریه ندارند و کتاب آماده را که ناشر دیگر برای آن زحمت کشیده‌است، با اسمی مشابه منتشر می‌کنند و ۵۰ تا ۷۰ درصد تخفیف می‌دهند. این روند باعث بی‌آبرویی و بی‌اعتباری صنعت نشر می‌شوند و کار ناشران را مخدوش می‌کنند.

حداد عادل در نشست شورای هماهنگی پاسداشت زبان فارسی:

از خیابان انقلاب و کریمخان که بالاتر بروید، نام‌های فارسی کم می‌شوند!

نشست شورای هماهنگی پاسداشت زبان فارسی، به ریاست محمدمهدی اسماعیلی، وزیر ارشاد در وزارتخانه مربوطه برگزار شد.

به گزارش ایسنا، در این جلسه که برخی از اعضای جدید شورای پاسداشت زبان فارسی، از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت صمت و وزارت آموزش‌وپرورش حضور داشتند، به اقدامات صورت‌گرفته در هر وزارتخانه، در جهت حفظ و نشر هرچه بیشتر زبان فارسی اشاره کردند. محمدمهدی اسماعیلی، وزیر ارشاد در این جلسه و درباره اهمیت زبان فارسی گفت: زبان فارسی جزو جدایی‌ناپذیر از هویت ملی ماست. اساساً این موضوع نه جناحی و نه حزبی‌ست و تنها به ما مربوط نیست؛ این سخنان به معنای نفی خرده‌فرهنگ‌ها، گویش‌ها و زبان‌های دیگر ایرانی نیست. اصل پانزدهم قانون اساسی، به اهتمام بر پاسداشت زبان فارسی تاکید دارد.

او همچنین در بخشی از سخنان خود گفت: بخش مهمی از تعدی به زبان فارسی با لعابی مثل لزوم کار صنعتی و پیوستگی به مجامع جهانی اتفاق افتاده است.

حجت‌الاسلام حامد حاجی‌ملامیرزایی، رئیس مرکز توسعه فرهنگ و هنر در فضای مجازی، درباره سامانه جامع پاسداشت زبان فارسی که مدتی‌ست تعبیه شده، گفت: این سامانه در سال ۱۳۹۶ پایه‌گذاری شده و درحال حاضر توسعه یافته و بر زمینه‌هایی مانند نشر، معرفی و تقویت زبان فارسی پایه‌ریزی شده‌است. اهداف توسعه چنین سامانه‌ای، به‌دلیل ممنوعیت به‌کارگیری واژگان بیگانه با محوریت ماموریت اصناف بود تا بتوانند این قانون را به نحوی مکفی پیاده‌سازی و اجرا کنند. او درباره مقرراتی که ذیل این قانون آمده، توضیح داد: مقررات این قانون در دو دسته طبقه‌بندی می‌شود؛ یکی محصولات و تولیدات و دیگری اسامی و عناوینی که در مکاتبات و سخنرانی‌ها به‌کار می‌رود، که بایستی فارسی و واژگان آن را تقویت کنیم.

حاجی‌ملامیرزایی درباره سامانه پاسداشت زبان فارسی که با نشانی farsipasdasht.ir قابل‌دسترسی‌ست، ادامه داد: از اولین اقداماتی که در این سامانه انجام شده، ثبت دامنه‌ای‌ست که در دسترس عموم قرار می‌گیرد. این سامانه در وضع کنونی برای اطلاع‌رسانی، معرفی واژگان بیگانه و غیر بیگانه، ثبت گزارش تخلفات، جویش و استعلام و در بخش کارپوشه، برای واحدهای تخصصی وزارتخانه و دیگر دستگاه‌هایی که نیاز به استعلام واژگان و پاسداشت زبان فارسی دارند، کاربردی‌ست.

مناطقی از تهران که نام‌های فارسی کم می‌شود

در ادامه نشست حدادعادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ایجاد سامانه پاسداشت زبان فارسی را از نشانه‌های اهتمام دولت نسبت به امر زبان فارسی دانست و درباره اهمیت آن گفت: زبان فارسی هویت ملت ایران است و هرکس خواهان پایداری و پایندگی ملت ایران باشد، باید پای زبان فارسی نیز بایستد. زبان فارسی مسئله‌ای فراجناحی‌ست. هرکس خواهان وجود ملت ایران باشد، باید خواهان زبان فارسی نیز باشد. شما اگر امروز با تحرکات تجزیه‌طلبانه نگاه کنید، می‌بینید که در اولین قدم سراغ زبان می‌روند.

او افزود: محتوای زبان فارسی، فرهنگ ماست. فرهنگ، میدان جنگ نرم است و مقابله با زبان فارسی در دستور کار دشمنان قرار دارد. در کشور ما خیلی‌ها الفاظ خارجی را به‌کار می‌برند که بگویند من پیشرفته‌تر و باسوادترم. فضای مجازی هم چون بی‌صاحب است، میدان این تفکر است. این‌که ملتی بخواهد نام‌های خارجی را در کارهای روزمره‌خود به‌کار ببرد، یک بیماری فرهنگی‌ست که ریشه در خودباختگی دارد.

او در ادامه گفت: تهران عملاً به دو قسمت تقسیم شده، از محور انقلاب و کریمخان که بالاتر بروید، نام‌ها و خطوط فارسی کم می‌شوند.

حدادعادل درباره عملکرد اعضای شورای پاسداشت زبان فارسی در وزارت صمت توضیح داد: چندین‌سال است که تغییر نام خودروهای ملی را در دستور کار قرار داده‌ایم، چون ماشین‌ها ضریب نفوذ بیشتری دارند و مانند تابلوهایی متحرک‌اند. اغلب کشورها در نام خودروهای‌شان بسیار غیرتمند هستند.

رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی نیز درباره تبلیغات تلویزیونی و شهری که حاوی واژگان انگلیسی‌اند ابراز نگرانی کرده و این‌طور اظهار نظر کرد: جدا از آگهی‌های بازرگانی، پیش‌تر کلماتی مثل ویدیوچک استفاده می‌شد و ما در فرهنگستان برای آن معادل «بازبینی» را تصویب کردیم.

نام‌های ایرانی بر روی خودروها

در ادامه، منوچهر منطقی، معاون صنایع حمل‌ونقل وزارت صمت، درباره سیاست‌های این مجموعه در مقوله نام‌گذاری خودروهای داخلی بیان کرد: در وزارتخانه صمت، موضوع نام‌گذاری خودروهای داخلی، محور صنایع حمل‌ونقل است. همچنین محور دوم، در حوزه اصناف است و حوزه دیگر تولیدات صنایع عمومی‌ست. در حوزه حمل‌ونقل، تاکید بر فارسی شدن عبارات، اسامی و عناوین محصولات تولیدی، تغییر در نام گذاری و درج آن بر محصولات و رعایت حقوق مالکیت فکری ارجحیت دارد. سمند، دنا، سورن، رانا، آریسان، شاهین، سایینا، آریا، تیبا و... از خودروهای داخلی هستند که نام‌های فارسی دارند. از حوزه‌های دیگری که این اقدامات در آن‌ها صورت گرفته، می‌توان به شیوه نام‌گذاری بر خودروهای تجاری اشاره کرد. شیلر، صحرا، ریرا و... از خودروهای تجاری‌ای هستند که نام ایرانی دارند. منطقی در ادامه به ایده ایرانیزه کردن اسامی تولیدات خارجی اشاره کرد و گفت: ما مجاز نیستیم نشان تجاری محصولاتی را که تحت مالکیت فکری خارجی‌اند، تغییر دهیم. گاهی نیز باتوجه به تحریم‌ها، نمی‌توانیم اسامی خارجی را تغییر دهیم.

معاون صنایع حمل‌ونقل وزارت صمت اضافه کرد: پاسداشت صرفاً مربوط به اسامی نیست و ما تلاش داریم نشان‌سازی تجاری برای محصولات ایرانی انجام دهیم. استفاده از اسم فارسی و محصولات باکیفیت ایرانی افتخار است، باید با تخریب‌ها مقابله شود.

شهاب جنابی، مشاور وزیر و مدیرکل جدید حوزه وزارتی وزارت صمت از اقدامات صمت در حوزه اصناف به استعلام قانونی درباره تابلوها در سامانه ایرانیان‌اصناف و نظارت بر عناوین واحدها و اتحادیه‌ها برای جلوگیری از استفاده از واژگان بیگانه اشاره کرد.

او همچنین التزام استفاده از سامانه سردر واحدهای صنفی جهت انتخاب عناوین مناسب فارسی برای اصناف را به‌عنوان راهکاری ارائه داد و درباره واحدهای ثبت‌شده در مجامع بین‌المللی گفت: اگر واحدها عناوین و نشان تجاری‌شان را ثبت بین‌المللی کنند، ما قانوناً نمی‌توانیم ممانعت کنیم.

محمد خراسانی‌زاده، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در این نشست به نقش اساسی مقوله آموزش در حوزه پاسداشت زبان فارسی، پاسداشت در سایر حوزه‌های صنایع و مشخص کردن حدود برای بسیاری از برندهای قدیمی و مقوله تبلیغات پرداخت.

فرشاد مهدی‌پور، معاون مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت ارشاد، هم یکی از دغدغه‌های سردر اصناف و وزارت صمت را کسب‌وکارهای اینترنتی دانست.

علی لطیفی، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی درباره نقش آموزش‌وپرورش در پاسداشت زبان فارسی، این‌طور توضیح داد: در ماجرای پاسداشت فارسی در وزارت آموزش‌وپرورش، دو سطح وجود دارد؛ یکی سطح از بحث مسئله زبان فارسی و پاسداشت آن و دیگری، کاربرد واژگان و غیره است و سطح دوم که عمیق‌تر است و مسئله اهتمام به فرهنگ غنی در پس زبان فارسی را به همراه دارد. از این رو، ما باید با توجه به تحولات فرهنگی و اجتماعی و رسانه‌ها در این حوزه گام برداریم.

رئیس ساترا: تعارف نداریم

سعید مقیسه؛ رئیس سازمان تنظیم مقررات رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر(ساترا) در خصوص نامه‌نگاری انجام شده با ریاست سازمان صداوسیما برای برخورد بازدارنده در مقابل تخلفات رسانه‌های صوت‌و تصویر فراگیر گفت: بدون شک مهمترین اولویت فعالیت سازمان تنظیم مقررات رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر(ساترا)، اجرای قوانین و اسناد بالادستی است و در این زمینه هیچ‌گونه تعارفی ندارد.

معاون سازمان صدا و سیما، با اشاره به این موضوع که در حال حاضر مجوز هیچ‌یک از رسانه‌های صوت‌و تصویر فراگیر لغو یا تعلیق نشده است، گفت: درصورت رعایت قانون از پلتفرم‌ها حمایت می‌کنیم. البته برخی سامانه‌های نمایش درخواستی تخلفاتی داشته‌اند که منجر به کسر امتیاز ارزیابی آن‌ها شده است. بنابراین اگر روند کاهش امتیاز ارزیابی آن‌ها ادامه پیدا کند و به کم‌تر از حداقل امتیاز لازم برای فعالیت برسد، اقدام قانونی لازم را انجام خواهیم داد.

وی در ادامه با اشاره به ماموریت قانونی ساترا در حوزه تنظیم‌گری رسانه‌های صوت‌و تصویر فراگیر بیان کرد: انجام ماموریت‌های قانونی ساترا، مورد مطالبه نهادهای ناظر در قوه مجریه و قوه مقننه است. اخیرا هم مکاتبه‌ای از سوی معاونت امور حقوقی ریاست جمهوری با ساترا انجام شده است که در آن نامه بر اختیارات و وظایف ساترا در حوزه صوت‌و تصویر فراگیر تاکید شده است.

وی افزود: بر اساس مصوبه شورای عالی فضای مجازی کشور با موضوع «توسعه فضای مجازی سالم، مفید و ایمن»، ممانعت از نشر محتوا و خدمات مضر و ناسالم و ناایمن یکی از مواردی است که باید مد نظر قرار گیرد و با توجه به ماموریت ساترا در حوزه تنظیم‌گری صوت و تصویر فراگیر، ساترا به دنبال نظارت بر سلامت محتوایی صوت‌و تصویر فراگیر است. رئیس ساترا خاطرنشان کرد: بسیاری از علاقه‌مندان و دلسوزان نظام جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر انتقادات جدی نسبت به وضعیت رها شده فضای مجازی داشته‌اند و این مطالبه را از ساترا دارند که برای سالم‌سازی محتوایی صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی اقدام کند.

نگاه

رضا کیانیان ۱۴ سال قبل به خسرو شکیبایی چه نوشت؟

برای رضا کیانیان روز سختی بود. خبر را که شنید، تلفن همراهش را خاموش کرد. مدتی با خودش خلوت کرد و بعد نامه‌ای برای رفقیش نوشت، رفیقش که خسرو شکیبایی بود.

۲۸ تیر سال ۸۷ یکی از بدترین روزها برای دوستداران خسرو شکیبایی بود، سحرگاه همین روز بود که خبر درگذشت او در تماس‌های تلفنی دهان به دهان می‌شد. آن زمان که مثل امروز صفحات اینستاگرامی نبود. همه تلفنی خبر را به یکدیگر می‌رساندند و خبرنگاران در این میان وظیفه دشواری داشتند؛ رساندن خبری دردناک درباره هنرمندی محبوب. آن هم در یک روز تعطیل.

رضا کیانیان هم یکی از همان هنرمندانی بود که از ایسنا با او تماس گرفتیم و به رسم آن دوره خواستار یادداشتی شدیم. از علاقه و دوستی‌اش با خسرو شکیبایی باخبر بودیم و می‌دانستیم او را در شرایط سختی قرار داده‌ایم ولی چاره‌ای نبود، کار خبر هم مانند کار هنر بی‌رحم بود ، هم ما و هم او به این مساله آگاه بودیم.

عصر دلگیر روز جمعه بود که یادداشتش به ما رسید. تلفن هوشمندی در کار نبود و مطلب را با فکس برایمان فرستاده بود و حالا که بعد از ۱۴ سال و در سالروز درگذشت خسرو شکیبایی، بار دیگر آن را در ایسنا بازنشر می‌دهیم، همان اندازه اندوهناک است. بار دیگر نامه غم‌انگیز رضا کیانیان را به خسرو شکیبایی می‌خوانیم:

«سلام خسرو جان

بی‌خبر گذاشتی و رفتی. بدون خداحافظی!

دو هفته پیش هم که آخرین جایزه‌ات رو گرفتی، روی صحنه لام تا کام حرف نزدی. از گوشه صحنه اومدی بالا و آروم جایزه‌ات را گرفتی؛ برای سی سال حضور پرشور و شوقت در سینمایی که این روزها چندان شور و شوقی در آن نیست.

فقط لبخند زدی و رفتی پایین و لای جمعیت گم شدی. خوب اگه قرار بود بری و پشت سرت رو هم نگاه نکنی، چند کلمه‌ای برای ما که پشت سرت بودیم، حرف می‌زدی!

یادمه وقتی آمدی رو صحنه، حالت خوب بود.

آخه یکی دو بار دیگه که این اواخر روی صحنه اومدی و دیدمت، حالت زیاد خوب نبود. ولی این دفعه، همه خوشحال شدیم. فقط نمی‌دونستیم داری میری. نمی‌دونم خودت می‌دونستی یا نه. می‌گن آدمای خوب قبل از رفتن، حال‌شون خیلی خوب می‌شه؛ چون دارن می‌رن یه جای خوب. ما از کجا باید می‌فهمیدیم که این حال خوب نشانه چیه؟ همیشه بعد از این‌که اتفاق می‌افته، می‌فهمیم. ولی فکر کنم خودت می‌دونستی؛ چون هیچی نگفتی و اون‌جوری فقط لبخند زدی. شاید داشتی خداحافظی می‌کردی و ما نمی‌فهمیدیم. ولی چه خداحافظی باشکوهی! خیلی‌ها آرزو دارن در اوج خداحافظی کنن؛ اما نمی‌تونن. شاید هم اون لبخند همین معنا رو داشت. شاید اگر حرف می‌زدی، همه خداحافظی‌ات می‌شد همون چند تا کلمه؛ ولی چون همیشه شاعر بودی، فقط مهربان و با سپاس نگاه کردی و لبخند زدی. حالا که فکر می‌کنم، می‌فهمم این‌جوری بیش‌تر حرف زدی.

من هی باید از تو یاد بگیرم. یادته سال‌ها پیش وقتی از مشهد به تهران آمدم، تو روی صحنه‌های تئاتر می‌درخشیدی. من کلی دویدم تا روی صحنه بیام و دیده بشم.

بعدها هم که تو روی پرده سینماها می‌درخشیدی، باز هم من کلی دویدم تا روی پرده بیام و دیده بشم.

یادته من اولین فیلمم رو که بازی کردم، تو «هامون» بودی. من یادمه که در فیلم «کیمیا»، دست منو می‌گرفتی. کلی حال می‌دادی که رو بیام و دیده بشم. بعد هم فقط یک بار دیگه شانس داشتم در کنار تو بازی کنم؛ تو فیلم «درد مشترک»، چه بامسما.

ارتباط من با تو، مثل کوهنوردها با کوه‌هاست. هر قله‌ای رو که فتح می‌کنن، می‌بینن پشتش یه قله بلندتر هست. من هرچی می‌دوم، تو یه قدم جلوتری؛ مثل الآن. جلوتری دیگه عموجون. رفتی اون‌ور. نمی‌دونم چقدر دیگه باید بدوم تا به اون‌ور برسم، تازه نمی‌دونم در چه وضعیتی میام اون‌ور.

پس از اون‌ور یه دعایی برای من بکن. میگن دعای اون‌وری‌ها برای این‌وری‌ها زودتر مستجاب می‌شه. این‌جوری که تو رفتی، کلی «خدابیامرزی» و «یادش بخیر» و «حال‌های خوب» و «یادهای خوب» و .. بدرقه راهته.

من که شاهدم، خودتم اگه حال‌شو داشته باشی، یه نگاهی به این‌ور بندازی می‌بینی.

دست پر رفتی دیگه. می‌بینی چقدر از من جلوتری! کلی باید بدوم تا موقع رفتن دستم پر باشه.

البته جات پیش ما خالیه. هنوز سینمای ایران کلی با تو کار داشت. ولی خوب مثل به دنیا آمدنه دیگه. موقعش که برسه، باید متولد بشیم. ما یه تولد رو دیدیم؛ تو دو تا؛ تولدت مبارک.

می‌دونم اون‌جا کلی از بر و بچه‌های سینما و تئاتر اومدن پیشوازت. حتما کلی هم تدارک دیدن.

ما که اون دنیا به بازیگری‌مون ادامه می‌دیم. اون‌جا هم حتما نمایش هست. اون‌وری‌هام حتما به سرگرمی احتیاج دارن. پس اون‌جا بی‌کار نمی‌مونیم. وقتی مردم رو سرگرم می‌کنیم و حال‌شون خوب می‌شه. یه خدابیامرزی به ما و پدر و مادرمون می‌گن دیگه. وقتی مردم تو خیابون تو رو می‌دیدند و بی‌اختیار لبخند می‌زدند، خودش خدابیامرزیه دیگه. وقتی مردم می‌فهمن که تو رفتی و دیگه میون ما نیستی، گریه می‌کنن و جاتو خالی می‌کنن، خدابیامورزیه دیگه. می‌بینی خدا چه لطفی به تو داشته که این موقعیت و جایگاه رو بهت داده. پس اون‌طرف هم حتما تحویلت می‌گیره و می‌بردت روی صحنه‌ها و پرده‌های اون‌جا، که بازم مردم اون‌ور ببینند و حال‌شون بهتر بشه و خدابیامرزی ادامه داشته باشه.

به امید دیدار»

رضا کیانیان.

خبر

ساعت بازدید کاخ‌موزه‌های تهران در تعطیلات افزایش یافت

مدیرکل موزه‌های وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی از افزایش ساعت بازدید از کاخ‌موزه‌های تهران در روزهای آخر هفته و تعطیلات رسمی تا پایان تابستان خبر داد.

به گزارش ایرنا از اداره‌کل روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی، مرتضی ادیب‌زاده گفت: ساعات بازدید از موزه ملی ایران، مجموعه فرهنگی‌تاریخی نیاوران، مجموعه فرهنگی‌تاریخی سعدآباد و مجموعه میراث جهانی کاخ گلستان تا پایان ۶ماهه نخست سال ۱۴۰۱ در روزهای پنجشنبه، جمعه و تعطیلات رسمی از ساعت ۹ صبح تا ۲۰:۳۰ شب خواهد بود. مدیرکل موزه‌های وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی افزود: بازدید از مجموعه‌های ستادی در ۶ماهه دوم سال ۱۴۰۱ بدون تغییر همانند گذشته است. ادیب‌زاده که تا سه شنبه - ۲۸ تیرماه ۱۴۰۱- سرپرستی اداره‌کل موزه‌ها را بر عهده داشت، در حکمی از سوی علی دارابی قائم وزیر میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی به سمت مدیرکل موزه‌های این وزارتخانه منصوب شد.